

سخنرانی مهم

پناهیان: آیا خدا سرنوشت مردم را به انتخابات واگذار می‌کند؟ تا حد بسیار زیادی «بله»/ خدا سرنوشت انسان‌ها را به عهده خودشان قرار داده و نتیجه رأی مردم را خوب یا بد بر سرشان نازل می‌کند/ علی(ع) گاهی علی‌رغم نظر خود، رأی مردم را می‌پذیرفت و اجازه می‌داد مردم ضربه بخورند / اگر نسبت به سرنوشت جامعه بی‌تفاوت باشیم، باید هزینه‌اش را بدهیم

پناهیان: آیا خدا سرنوشت مردم را به انتخابات واگذار می‌کند؟ تا حدود بسیار زیادی «بله»؛ چون در انتخابات مردم نظر خودشان را اعلام می‌کنند، و خدا هم-چه آن نظر خوب باشد و چه بد باشد- نتیجه‌اش را به سر آن مردم نازل خواهد کرد. ما باید مواظب باشیم که خودمان انتخاب خوب داشته باشیم و به همدیگر هم بگوییم و فعال باشیم، و الا لطمه می‌خوریم و زندگی ما مورد مخاطره قرار می‌گیرد.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در آستانه دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، در مسجد امام باقر(ع) شهر رباط کریم، با موضوع «آیا خدا سرنوشت مردم را به انتخابات واگذار می‌کند؟» سخنرانی کرد. در ادامه بخش‌هایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

خدا سرنوشت انسان‌ها را به عهده خودشان قرار داده/ با وجود انبیاء و اولیاء، ما تعیین‌کننده‌ترین عامل در سرنوشت خودمان هستیم/ علی(ع) گاهی علی‌رغم نظر خود، رأی مردم را می‌پذیرفت و اجازه می‌داد مردم ضربه بخورند

- خداوند متعال سرنوشت انسان‌ها را به عهده خودشان قرار داده است. و این ما هستیم که با وجود انبیاء الهی و اولیاء خدا، در عین حال، تعیین‌کننده‌ترین عامل برای سرنوشت خودمان هستیم.
- امیرالمؤمنین(ع) در زمان حیات‌شان، گاهی اوقات علی‌رغم نظر خودشان، رأی مردم را می‌پذیرفتند و مردم وقتی در مقابل امیرالمؤمنین(ع) رأی باطلی می‌دادند، بعداً ضربه‌هایش را می‌خوردند، ولی امیرالمؤمنین(ع) اجازه می‌دادند که مردم ضربه بخورند.

نباید خیالمان راحت باشد که رهبران اجتماعی به جای ما فکر می‌کنند/ اگر شخص پیامبر(ص) هم بالای سر ما باشد، باز باید به سرنوشت اجتماعی خود حساس باشیم

- ما باید یک هوشیاری‌ای در وجودمان باشد، و خیالمان راحت نباشد از اینکه رهبران اجتماعی هستند و آنها باید به جای ما فکر کنند و در فکر ما باشند! در حالی که اگر رسول خدا(ص) هم بالای سر ما باشند، باز هم باید به فکر خودمان و جامعه خودمان باشیم. باز هم باید نسبت به سرنوشت اجتماعی خودمان حساس باشیم، و الا خدا شوخی ندارد!
- غزوهٔ حنین، یکی از نبردهایی بود که سپاه اسلام شکست خورد؛ با اینکه تعداد سپاه اسلام، از سپاه دشمن بیشتر بود-و اصلاً سپاه دشمن عددی نبودند!- و در حالی که رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هم در میان لشکر بودند. خداوند متعال دربارهٔ این غزوه می‌فرماید: شما به تعداد بیشتر خودتان مغرور شدید(و یَوْمَ حُنَیْنٍ إِذْ أَعْجَبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَانْتُمْ مُدْبِرِينَ؛ توبه/۲۵) خدا به پیامبر(ص) می‌فرماید که به مردم بگو «به خدا توکل کنید» ولی مردم به خدا توکل نکردند، و لذا با اینکه رسول خدا(ص) حضور داشتند، در عین حال، شکست می‌خورند. یعنی مردم تعیین‌کننده هستند. مردم پای رکاب رسول خدا(ص) هم نمی‌توانند خیال‌شان راحت باشد و بگویند: «پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هستند، حالا دیگر زیاد مهم نیست که ما چه کنیم و چگونه باشیم!» بلکه خیلی مهم است که شما چگونه باشید؟ باید به خدا توکل کنید و مغرور به عده و عدهٔ خودتان نشوید، باید ایمان‌تان را بالا ببرید، تا فتح و نصرت و پیروزی برسد.

پیامبران و اولیاء تأثیرگذارند، اما سرنوشت مردم به عهده خودشان است/ وقتی مردم گفتند ما راحتی می‌خواهیم، امام حسن(ع) فرمود: این راحتی مال شما؛ و نتیجه‌اش را هم ببینید!

• بعد از ظهور هم همین‌طور خواهد بود. مولای ما امام زمان(ع) تشریف نمی‌آورند که بفرمایند: «شما دیگر در خانه‌های خودتان بنشینید و راحت باشید، من خودم همه اوضاع را درست می‌کنم!» امام زمان(ع) هم به کمک مردم، اوضاع را درست می‌کنند. بناست که مردم خودشان روی پای خودشان بایستند. و الا اگر بنا نبود که ما در سرنوشت خودمان تأثیری داشته باشیم، فرق مان با فرشته‌ها و حیوانات چه بود؟!

• پیامبران الهی و اولیاء خدا هم می‌آیند که تأثیر بگذارند، ولی مسئولیت را به‌طور کامل به عهده نمی‌گیرند. امام حسن(ع) از مردم رأی‌گیری کردند که «اگر شما می‌خواهید سست باشید، ما اصلاً جنگ نکنیم.» و اکثر مردم گفتند «نه» و لذا امام حسن(ع) تحت آن فشار، پذیرفتند. البته یکی از دلایل مهم پذیرش این بود که برخی از اطرافیان امام حسن(ع) قصد خیانت داشتند و می‌خواستند وسط جنگ، امام حسن(ع) را دستگیر کنند و به معاویه تحویل دهند و این خیلی اتفاق بدی بود. برخی در اطراف امام حسن(ع) خیانت کردند و وقتی مردم صدا زدند که «ما راحتی را می‌خواهیم» حضرت فرمود: بروید، این راحتی مال شما؛ و نتیجه‌اش را هم ببینید. بعد از آن، قرن‌ها کوفه محل قتل عام بوده، محل بدبختی و گرفتاری بوده است. بله مردم دل‌شان خواسته، و بیچارگی را برای خودشان انتخاب کردند. و امام حسن(ع) هم اجازه دادند، چرا که به زور نمی‌شود مردم را وادار کرد.

انتخاب ابوموسی اشعری توسط مردم، یکی از دلایل پیدایش جنگ نهروان شد

• امیرالمؤمنین(ع) فرمود: ابوموسی اشعری نه! ولی مردم داد زدند و گفتند که «نه؛ ایشان باید باشد!» لذا علی(ع) فرمود: باشد، خودتان ببینید. (...قَالَ عَلِيُّ عَ قَدْ أُبَيِّتُمْ إِلَّا أَبَا مُوسَى قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَاصْنَعُوا مَا شِئْتُمْ؛ وَقَعَهُ الصَّفِينُ / ۵۰۰) همان انتخاب ابوموسی اشعری یکی از دلایلی شد که جنگ نهروان پیش آمد و ۴۰۰۰ هزار نفر در آن شهر به دلیل قیام‌شان علیه علی(ع) قتل عام شدند. که البته آنها انگیزه بسیار غلطی هم داشتند؛ چون مردم غلط رفتار کرده بودند، ولی آنها علیه علی(ع) قیام کردند و گفتند که شما چرا اجازه دادید؟! حضرت هم می‌فرمود: خُب مردم این‌گونه می‌خواستند.

• می‌گویند: «خلایق هرچه لایق!» و البته این عبارت خلایق هرچه لایق، یک روایت دارد که این روایت را به عنوان هدیه‌ای برای شما می‌خوانم.

آیا خدا سرنوشت مردم را به انتخابات واگذار می‌کند؟ تا حد بسیار زیادی «بله» / اگر «انتخاب خوب» نداشته باشیم لطمه می‌خوریم و زندگی ما مورد مخاطره قرار می‌گیرد

• آیا خدا سرنوشت مردم را به انتخابات واگذار می‌کند؟ تا حد بسیار زیادی «بله»، چون در انتخابات مردم نظر خودشان را اعلام می‌کنند، و خداوند متعال هم-چه آن نظر خوب باشد و چه بد باشد- نتیجه‌اش را به سر آن مردم نازل خواهد کرد.

• ما باید مواظب باشیم که خودمان انتخاب خوب داشته باشیم و به همدیگر هم بگوییم و-در این عرصه- فعال باشیم و الا لطمه می‌خوریم و زندگی ما مورد مخاطره قرار می‌گیرد. در ادامه عرض می‌کنم که اگر ما همیشه انتخاب‌های خوب داشته باشیم، نتیجه‌اش چه خواهد شد؟

پیامبر(ص): هر جوری باشید، همان جوری رییس پیدا می‌کنید / منش، تفکر و تقوای مردم تأثیر دارد بر اینکه چه کسانی اداره امور آنها را به عهده بگیرند؟

- آن روایتی که بنا شد خدمت شما هدیه کنم این است؛ رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «**كَمَا تَكُونُونَ يُوَلَّى عَلَيْكُمْ**» (شهاب الاخبار/ ۲۶۰) هر جوری باشید، همان جوری رییس پیدا می‌کنید. البته آن زمان که انتخابات نبوده! ولی این سنت الهی است که خداوند متعال مردم را در سرنوشت خودشان مؤثر قرار می‌دهد. بالاخره وجود مردم، نگاه مردم، منش مردم، تفکر مردم و تقوای مردم تأثیر دارد بر اینکه چه کسانی اداره امور آنها را به عهده بگیرند؟
- صحنه انتخابات فقط یکی از صحنه‌ها برای تأثیرگذاری مردم است. به‌طور کلی ما مؤثر هستیم در اینکه چه کسانی بر ما حکومت کنند و ما را اداره کنند. و خداوند این تأثیر را قرار داده است. چه پیامبران و اولیاء الهی باشند و چه نباشند. حتی با حضور رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هم مردم مؤثرند و می‌توانند کار خودشان را خراب کنند یا کار خودشان را درست کنند.

حضرت زهرا(س) خطاب به مردم مدینه: فکر می‌کنید، چیزی را که نمی‌پسندید، ما به شما تحمیل می‌کنیم؟! / مردم نتیجه بی‌اعتنایی خود به دغدغه‌های فاطمه(س) را دیدند

- در آخرین سخنرانی حضرت زهرا(س) که در بستر بیماری بودند و دیگر نمی‌توانستند بیرون بیایند، ایشان در این سخنرانی فوق‌العاده سیاسی، به زنان مدینه فرمودند که «من از شما مردم مدینه ناراحت هستم...» و علت ناراحتی خودشان را بیان کردند و در آخر این سخنرانی، آیه‌ای از قرآن را خواندند که حضرت نوح(ع) خطاب به مردم فرموده بودند. (امالی طوسی/ ۳۷۶ و احتجاج/ ۱۰۹/۱)
- آیه‌ای که حضرت زهرا(س) خواندند این بود: «**أَنْ لَّنْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ**» (هود/ ۲۸) شما مردم فکر می‌کنید، چیزی را که نمی‌پسندید، ما به شما تحمیل می‌کنیم؟! شما علی بن ابیطالب(ع) را نخواستید؛ حالا بروید ببینید که نتیجه‌اش چه می‌شود؟ و مردم دیدند که در مدینه جوی خون جاری شد؛ در اثر نتایج درازمدت انتخاب‌هایی که کردند. سربازان یزید، در شهر مدینه سه روز نوامیس مردم را به خودشان حلال کردند، تعداد ولد نامشروع حاصل آن سه روز تجاوز هم ثبت شده است. و چقدر سر بریدند و چقدر جنایت کردند! این نتیجه همان بی‌اعتنایی مردم به دغدغه‌های حضرت زهرا(س) بود.

خدا تا حدّ زیادی سرنوشت جامعه را به انتخابات وابسته می‌کند/ اما خدا چه موقع استثناء می‌زند؟

- ما نمی‌توانیم بگوییم که «بالاخره مسئولین مملکتی هستند و بی‌خیال! ما برویم در عالم خودمان باشیم!» نه، ما نسبت به سرنوشت خودمان مسئول و مؤثر هستیم. این طور نیست که صرفاً همین که در انتخابات شرکت کنیم، ثواب داشته باشد؛ ما با این کار، در واقع داریم آینده خودمان را درست می‌کنیم.
- آیا خداوند سرنوشت یک جامعه را به یک انتخابات وابسته می‌کند؟ تا حدّ بسیار زیادی بله. خداوند چه موقع استثناء می‌زند؟ آن وقتی که این جامعه بیاید و شهید بدهد و مظلومانی بسیار قوی و مؤثر در جان مردم، تحویل بدهد.

مردم چه وقت متوجه خیانت بنی صدر شدند؟ / در جامعه اسلامی اگر مردم هوشیار نباشند، خیانت مسئولان شان را خیلی دیر می فهمند

• اول انقلاب مردم یک انتخابی کردند به نام «بنی صدر» و شما دیدید که او چه کار کرد؟ اسناد وابستگی او به سازمان سپا، بعداً بیرون آمد. و در جریان جنگ هم مدام به عراق زمین می داد و می گفت: این تاکتیک نظامی من است! به ارتش دستور می داد که عقب بیایند و به دشمن زمین می داد. او خیلی جنایت کرد و با سیاستگذاری های خودش داشت مملکت را به باد فنا می داد. اما مردم کی متوجه شدند؟

• در جامعه اسلامی اگر مردم هوشیار و پی گیر و تحلیل گر نباشند، خیلی دیر، خیانت مسئولان شان را می فهمند؟ می دانید چرا؟ چون جامعه اسلامی، جامعه نجیب و آبروداری است. حضرت امام(ره) به این سادگی ها حاضر نشد علیه بنی صدر صحبت کند. حضرت آقا سال ها قبل یک بار فرمودند: حضرت امام(ره) خیلی از درد دل های خودشان را بیان نکردند و رفتند؛ ما هم خیلی از حرف ها را نمی زنییم. (امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرفها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفت، خیلی را هم به مردم نگفت! ما هم حرفهایی داریم که اگر خدای متعال در پیشگاه خودش اجازه نطق داد، با خود او در میان خواهیم گذاشت. لزومی ندارد که انسان همه چیزها را بگوید؛ بیانات ۷۶/۰۹/۰۵) یعنی هوشیاری مردم باید خیلی بالا باشد.

پیامبر(ص) عاملین ترور خود را افشا نکرد / اگر مردم هوشیار نباشند، خیانتها دیر فهمیده می شود

• اگر مردم هوشیار نباشند، خیانتها دیر فهمیده می شود. رسول خدا(ص) را می خواستند ترور کنند. ۱۲ نفر می خواستند از بالای دره، حضرت را هل بدهند و به شهادت برسانند، جبرئیل امین آمد و خبر داد و حضرت محافظین خود را افزایش دادند- که نام یکی از آنها حذیفه بود- و تروریست ها ناکام شدند. (لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَافِلًا مِنْ تَبُوكَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى إِذَا كَانَ بَعْضَ الطَّرِيقِ ... ؛ اعلام الوری/۱۲۳) حذیفه می گوید: من به رسول خدا(ص) عرض کردم که نام اینها را افشا کنید و اینها را اعدام کنیم. حضرت فرمود: ره های شان کنید!

چرا علی(ع) «اشعث» را افشا نکرد؟ / زیرا مردم در سرنوشت خود مؤثرند؛ باید ببینند و بشناسند

• رسول خدا(ص) بسیاری از اوقات افشا نمی کردند و امیرالمؤمنین(ع) هم افشا نمی کردند. اشعث یکی از فرماندهان سپاه حضرت بود. اشعث موجب شد زمانی که چند قدم تا پیروزی نهایی بر معاویه مانده بود، حکمیت به علی(ع) تحمیل شود. اشعث موجب شد جنگ بین امیرالمؤمنین(ع) و خوارج رخ دهد. در عین حال، اشعث یکی از فرماندهان سپاه حضرت بود. وضع اشعث آن قدر بد بود که خوارج که با امیرالمؤمنین(ع) سر جنگ پیدا کرده بودند، یکی از اعتراض های شان به امیرالمؤمنین(ع) سر قصه اشعث بود که چرا این اشعث را دور نمی اندازید؟! (نامه رئیس خوارج به امیرالمؤمنین(ع): فَلَمَّا حَمَيْتِ الْحَرْبُ وَ ذَهَبَ الصَّالِحُونَ؛ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ أَبُو الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ وَ أَشْبَاهِهِمْ؛ اشْتَمَلَ عَلَيْكَ مَنْ لَا فِقْهَ لَهُ فِي الدِّينِ وَ لَا رَغْبَةَ فِي الْجِهَادِ، مَثَلُ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ وَ أَصْحَابِهِ وَ اسْتَنْزَلُوكَ حَتَّى رَكَنْتُ إِلَى الدُّنْيَا حِينَ رَفَعْتَ لَكَ الْمَصَاحِفَ مَكِيدَةً؛ انساب الاشراف/۲/۳۷۰؛ موسسه التاریخ الاسلامی/۵/۲۴۰)

• حضرت در نهایت نجابت عمل کردند و در نهایت هم شب قبل از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، ابن ملجم در خانه اشعث بود. یعنی اشعث در قتل امیرالمؤمنین(ع) دست داشت. دختر اشعث هم در قتل امام حسن(ع) دست داشت و پسر اشعث هم در قتل امام حسین(ع) دست داشت. (امام صادق(ع): إِنَّ الْأَشْعَثَ بْنَ قَيْسٍ شَرِكَ فِي دَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ ابْنَتُهُ جَعْدَةُ سَمَّتِ الْحَسَنَ ع وَ مُحَمَّدًا

ابْنُهُ شَرِكٌ فِي دَمِ الْحُسَيْنِ ع؛ کافی (۱۶۷/۸) حالا شما بگویید: «یا علی! چرا اشعث را افشا نکردید؟!» پاسخ این است که مردم در سرنوشت خودشان مؤثرند و مردم باید ببینند و بشناسند.

همان‌طور که به نان شب‌تان حساس هستید، برای انتخابات هم حساس باشید/ اگر نسبت به سرنوشت جامعه بی‌تفاوت باشیم، باید هزینه‌اش را بدهیم/ مردم بعد از انتخاب بنی‌صدر چه هزینه‌هایی دادند؟

- این مسئولیتی که خدا طبق سنت‌های خودش به‌عهده مردم گذاشته است، ما را حساس می‌کند. همان‌طور که شما برای نان شب خانه‌تان حساس هستید، باید برای انتخابات هم حساس باشید. باید نسبت به دوستان‌تان و کسانی که شما را قبول دارند، حساس باشید و -اگر شناخت دارید- به آنها هم بگویید که «به چه کسی رأی بدهند؟»
- ما نمی‌توانیم -نسبت به سرنوشت جامعه- بی‌تفاوت باشیم. اگر بی‌تفاوت باشیم، آن‌وقت خداوند چگونه می‌خواهد وضع ما را جبران کند؟ بالاخره مردم وقتی به بنی‌صدر رأی دادند و حضرت امام(ره) هم دیر افشا کردند و در واقع تا دقیقه ۹۰ بنی‌صدر را تحمل کردند؛ هزینه‌ای که مردم دادند، ۷۲ شهید بودند، و شهدایی مثل شهید بهشتی و رجایی و باهنر بودند. اصلاً داشتند همه را قتل عام می‌کردند! چیزی در حدود ۱۷۰۰۰ نفر شهید ترور دادیم. این تروریست‌ها همه زیر بال بنی‌صدر بودند.

اگر به سرنوشت جامعه و انتخاب مدیران، خیلی حساس باشیم، آبادترین و آزادترین کشور جهان خواهیم بود

- ما اگر بخواهیم سرنوشت خودمان را به دست بگیریم، باید حساس باشیم. حالا سؤال این است که «آیا اگر ما حساس باشیم، به نتیجه میرسیم؟» بله یقیناً به نتیجه خواهیم رسید. ما اگر در انتخابات و در ارتباط با مدیران جامعه، به شدت حساس باشیم، مطمئن باشید که هیچ مملکتی در جهان به ثروت مملکت ما نیست؛ ثروت از جهات مختلف. ما اگر واقعاً حساس باشیم، آبادترین و آزادترین کشور جهان خواهیم بود. استعداد ایرانی، واقعاً بالاست. اگر مدیران جامعه از این استعدادها درست استفاده می‌کردند، ما الان نباید این مشکلات را در مملکت داشته باشیم.

